

تحلیل نوسازی نظام آموزشی ایران در دهه چهل و اوایل دهه پنجاه (با تأکید بر کنفرانس انقلاب آموزشی رامسر)

رضا بیگدلو^۱/ شهاب شهیدانی^۲

چکیده

نوسازی نظام آموزشی ایران، به منظور دستیابی به علوم نوین و تربیت نیروی انسانی ماهر، از دغدغه‌های دولت‌مردان ایرانی در دوره قاجار و پهلوی بود. دهه چهل و اوایل دهه پنجاه اوج این نوسازی‌ها محسوب می‌شود. این امر که ناشی از ضرورت‌های داخلی و بین‌المللی بود، دولت پهلوی را واداشت تا با حمایت امریکا و با اتکا به درآمد روزافزون نفتی، نوسازی آموزشی را یکی از مهم‌ترین اولویت‌های توسعه خود قرار دهد. به دنبال این هدف‌گذاری، در اصول انقلاب سفید چندین اصل به امور آموزشی اختصاص یافت و برای پیگیری اجرای این اصول از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۵ هرساله کنفرانسی با عنوان «انقلاب آموزشی رامسر» برگزار شد. این پژوهش بر آن است با روش تحلیل تاریخی، که مبتنی بر توصیف و تحلیل داده‌هاست، و با تکیه بر مصوبات و گزارش‌های کنفرانس انقلاب آموزشی رامسر به این پرسش پاسخ دهد که زمینه‌ها، ایدئولوژی و اهداف انقلاب آموزشی رامسر چه بود. یافته‌های پژوهش بر آن است که نوسازی نظام آموزشی تحت تأثیر مکتب نوسازی به منظور رفع عقب‌ماندگی تاریخی نظام آموزشی و تأمین نیروی انسانی ماهر و برآورده کردن اهداف ایدئولوژیک دولت پهلوی صورت می‌گرفت. واژگان کلیدی: نوسازی، نظام آموزشی، دولت پهلوی، کنفرانس انقلاب آموزشی رامسر.

Analysis of Modernization of the Education System in the Sixties and Early Seventies in Iran through Investigation of the Historical and Educational Significance of the Ramsar 'Educational Revolution' Conferences

Reza bigdelou³/Shahab shahidani⁴

Abstract

The objective of modernization of the education system in the Qajar's and the Pahlavi's periods were twofold: to acquaint their citizens with modern sciences and train skilled scholars. The sixties and the early seventies saw the culmination of the modernization of the education system in Iran. Due to the national and international necessity of such modernization, the Pahlavi government made the educational modernization as one of its prioritized missions. The mission alongside with its developmental programs was heavily supported and endorsed by the US government. Furthermore, the steep increase of oil prices helped the Pahlavi government to provide the necessary financial backing for the mission and its related programs. After finding the cultural and financial backings, the government started passing and implementing some laws and regulations so that the mission can find its legal ground as well. Some of these laws and regulation had already been included in the Shah's White Revolution as the revolution's principles and guidelines and as result, the government held a number of annual conferences to prepare some reports and follow ups on how these principles and consequently the necessary laws and regulations for the mission were being observed and developed. Held between 1968 and 1976, the series of these conferences was called "Ramsar Educational Revolution". Through a descriptive-analytical methodology, the present study aims to analyze the grounds and objectives of the Pahlavi's modernization of the education system. The study also investigates the resolutions of the Ramsar conferences. The findings of the study suggest that the prime objective of modernization of the education system was to compensate the obsolete nature of Iran's education system till that time, to supply the country with the skilled manpower and strengthen the legitimacy of the Pahlavi Government. Despite the expansion of the education system in the sixties and the seventies, there were wide ruptures and discrepancies between the aforementioned objectives, the adopted implemental measures and realities of Iran's contemporary society. Keywords: Modernization, Educational System, Pahlavi Government, Ramsar Educational Revolution Conferences.

۱. استادیار تاریخ پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی.

۲. استادیار تاریخ دانشگاه لرستان. * تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۶ * تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۱۲

3. Assistant Prof. in History, Security Sciences and Social Studies Research Institute. Email: bigdelor@gmail.com.

4. Assistant Prof. in History, Lorestan university. Email: shahidani.sh@lu.ac.ir.

مقدمه

نظام آموزشی در انتقال فرهنگ و ارزش‌های مورد نظر دولت‌ها جایگاه خاصی دارد. دولت و گروه‌های فرادست جامعه می‌کوشند معنایی را که در جهت منافع آنها قرار دارد از طریق آموزش و پرورش بر جامعه تحمیل و سلطه هژمونیک خود را حفظ کنند. مؤسسات فرهنگی و آموزشی نقش عمده‌ای در نهادینه‌کردن ارزش‌ها، هنجارها و باورهای فرهنگی دارند. نظام آموزشی را در تمام سطوح انتقال‌دهنده سنت و فرهنگ به شمار می‌آورند؛ از یک سو میراث فرهنگی را منتقل می‌کند، آن را زنده نگه می‌دارد، و باورها و ارزش‌های اجتماعی را تثبیت می‌کند، و از سوی دیگر می‌تواند عامل تغییر و تحول باشد. نوسازی نظام آموزشی اصلاح مهارت‌های فنی، نظام اداری و فناوری را فراهم می‌آورد. همچنین آموزش می‌تواند آرمان‌های فرهنگی جدیدی را القا کند و همچون شالوده‌ای بنیادی برای نخبگان نوظهور حرفه‌ای و اجتماعی به کار گرفته شود. بدین دلیل نوع نظام آموزشی و محتوای برنامه‌های آن محور منازعات گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی است، زیرا تسلط بر نظام آموزشی به معنای دستیابی به بستری برای انتقال آرمان‌ها، ارزش‌ها و هویت فرهنگی مورد نظر به بسیاری از آحاد جامعه است.

از اوایل دوره قاجار با توجه به نیاز ایران به علوم نوین و تربیت نیروی کارآمد، فرایند نوسازی و الگوگیری نظام آموزشی در ایران از اهمیت فراوانی برخوردار شد. ایرانیان از یک طرف بر نوسازی نظام آموزشی تأکید می‌کردند و آن را زمینه‌ای برای پیشرفت و به‌دست‌آوردن دانش و فناوری اروپایی می‌دانستند، اما از سوی دیگر نگرانی خود را از این نوسازی ابراز می‌داشتند. این امر از آن‌جا ناشی می‌شد که در نوسازی، نظام آموزشی غربی الگو قرار می‌گرفت و همواره مدرن‌سازی، غربی‌سازی را تداعی می‌کرد.^۵ الگوی نوسازی آموزشی ایرانیان در دوره قاجار مبتنی بر الگوی نظام آموزشی فرانسوی بود و این رویه تا سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم کم‌وبیش پایدار ماند. بیشتر دانشجویان ایرانی که برای ادامه تحصیل به کشورهای خارجی اعزام می‌شدند به کشورهای فرانسوی‌زبان می‌رفتند. از این رو زبان علمی و ارتباطی ایرانیان تا سال‌های پس از جنگ جهانی دوم عمدتاً فرانسوی بود.^۶ بعد از جنگ جهانی دوم و حضور و نفوذ روزافزون آمریکا در ایران، تلاش برای تغییر روند اعزام دانشجو از کشورهای اروپایی به آمریکا و نیز تغییر سیستم آموزشی

۵. مونیکا. ام. رینگر، آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوره قاجاریه، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه (تهران: انتشارات

ققنوس، ۱۳۸۱)، ص ۲۴.

۶. هما ناطق، کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران (تهران: مؤسسه فرهنگی هنری انتشاراتی معاصر پژوهان، ۱۳۸۰)، ص ۴۹.

از فرانسوی به امریکایی با برنامه‌هایی چون فولبرایت آغاز شد.^۷ افزایش اعزام دانشجویان به ایالات متحده از دیگر علل امریکایی‌شدن سیستم دانشگاهی ایران بود. بعد از کودتای ۲۸ مرداد، روند اعزام دانشجویان ایرانی به امریکا به سرعت افزایش یافت، به طوری که از ۳۳ درصد در سال ۱۳۴۲ به ۶۱ درصد در سال ۱۳۵۲^۸ رسید. ارتباط بین دانشگاه‌ها و طراحی نظام آموزشی دانشگاه‌های جدید براساس نظام آموزشی امریکایی از دیگر شیوه‌های نوسازی آموزشی بود. دانشگاه پهلوی شیراز و دانشگاه ملی ایران با همکاری دانشگاه پنسیلوانیا و کاملاً مطابق سیستم امریکایی تأسیس شدند و حتی برای تدریس از استادان امریکایی بهره گرفتند.^۹ انقلاب آموزشی رامسر برنامه عمده‌ای در راستای نوسازی نظام آموزشی به سبک امریکایی بود.^{۱۰}

به طور کلی دهه چهل و اوایل دهه پنجاه در طول دولت پهلوی دوم از حیث تحولات و نوسازی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، چنان که مهم‌ترین دگرگونی‌های نظام آموزشی در این برهه رخ داد. به عبارتی می‌توان گفت پایه و چهارچوب ساختاری نظام آموزشی کشور، که همچنان تا به امروز تداوم دارد، در این مقطع پایه‌گذاری شده است. به دنبال اصلاحات موسوم به انقلاب سفید، امور آموزشی مفاد اصلی این اصلاحات هم تعیین شد که البته در سال‌های بعد بندهایی به آن اضافه گردید. برای پیگیری و تحقق این اصول در ۱۵ مرداد ۱۳۴۷ کنفرانسی با عنوان «انقلاب آموزشی رامسر» با حضور خود محمدرضا شاه و امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر، وزرا و مدیران ارشد کشور برگزار شد که منشور این انقلاب آموزشی را تصویب و راهکارهای اجرایی آن را مشخص کردند. در سال‌های بعد نیز همه‌ساله به منظور ارزیابی اقدامات انجام‌شده و بررسی چگونگی تداوم برنامه‌ها و اقدامات لازم قبل از آغاز سال تحصیلی کنفرانس‌هایی برگزار می‌شد. این پژوهش در نظر دارد با عنایت به مصوبات و گزارش‌های کنفرانس آموزشی رامسر و اقدامات دولت پهلوی در این زمینه، به این پرسش پاسخ دهد که زمینه‌ها، ایدئولوژی و اهداف «انقلاب آموزشی رامسر» چه بود. روش این پژوهش بر تحلیل تاریخی استوار است که با تکیه بر منابع موجود و به‌ویژه مصوبات و گزارش‌های این کنفرانس‌ها به مطالعه و بررسی این موضوع می‌پردازد. در زمینه مسائل فرهنگی و آموزشی عصر پهلوی دوم کتاب‌ها و مقالاتی به نگارش درآمده

۷. اخبار هفته (نشریه اداره اصل چهار امریکا در ایران)، (۱۵ خرداد ۱۳۳۷)، ص ۴.

۸. علی محمد حاضری، روند اعزام دانشجویان در ایران (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۲)، ص ۱۱۵.

۹. علی شیخ‌الاسلامی، رنسانس ایران (دانشگاه ملی ایران و شاه) (بی‌جا: چاپ مؤلف، ۱۳۶۹)، صص ۵۲-۵۳.

۱۰. جلال متینی، خاطرات سال‌های خدمت؛ از دبیرستان البرز تا فرهنگستان ادب و هنر ایران (بی‌جا: شرکت کتاب، ۱۳۸۰)،

است. مقصود فراستخواه در کتاب *حوادث و سوانح دانشگاه* به تحولات و تاریخ آموزش عالی از منظری کلی پرداخته است. محمدعلی اکبری نیز در کتاب *دولت و فرهنگ (۱۳۰۴-۱۳۵۷)*، فرایند تصویب قوانین و مقررات دولت پهلوی، روند اجرا و نظارت و ارزشیابی آنها را در حوزه فرهنگ تحلیل کرده است. با وجود اهمیت فراوان نوسازی آموزشی کشور در دهه چهل، به این موضوع آن طور که شایسته است توجه نشده است؛ به ویژه در مورد کنفرانس آموزشی رامسر تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است.

۱. زمینه‌ها و ضرورت نوسازی آموزشی

۱.۱. **زمینه بین‌المللی:** نوسازی آموزشی در ایران دهه چهل، یک بعد برون‌مرزی نیرومند داشت. در سال‌های نخست بعد از جنگ جهانی دوم، اتحاد شوروی و احزاب و گروه‌های کمونیستی با برشمردن معایب جهان سرمایه‌داری، تنها راه نجات جهان را تحقق شعارهای سوسیالیسم و رهایی از سرمایه‌داری اعلام می‌کردند. بسیاری از طبقات متوسط کشورهای جهان سوم جذب این ایده شدند. امریکا برای مقابله با این مسئله، نظریه نوسازی^{۱۱} را مطرح کرد. نوسازی، مجموعه برنامه‌ها و اقداماتی است که کشورهای توسعه‌نیافته برای رسیدن به موقعیت نزدیک و یا مشابه توسعه‌یافتگی براساس الگوی کشورهای پیشرفته غربی انجام می‌دهند.^{۱۲} بستر تاریخی نظریه نوسازی محصول سه رویداد مهم بعد از جنگ جهانی دوم بود؛ یعنی ظهور ایالات متحده به‌عنوان یک ابرقدرت، گسترش جهانی کمونیسم و تجزیه امپراتوری‌های استعماری اروپایی در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین، که موجب ظهور شمار بسیاری از دولت‌های جدید در جهان سوم شد. این کشورهای نوظهور هر یک به دنبال الگویی برای رشد و توسعه اقتصادی و همچنین اعتلای سیاسی و استقلال خود بودند. در چنین زمینه تاریخی‌ای بود که نخبگان سیاسی امریکا، اندیشمندان علوم اجتماعی را به مطالعه کشورهای جهان سوم ترغیب کردند تا ضمن ارائه الگویی برای این کشورها و دستیابی به توسعه اقتصادی، اجتماعی و ثبات سیاسی، از غلتیدن آنها به دامان بلوک کمونیستی جلوگیری کنند.^{۱۳}

11. Modernization

12. Mark C. Palma, *The 1979 Iranian Revolution: A study in the role of culture in the modernization of traditional societies* (London: The university of western Ontario, 2000), p. 8.

۱۳. آل‌وین. ی. سو، *تعمیر اجتماعی و توسعه*، ترجمه محمود حبیبی مظاهری (تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی،

مهم‌ترین نماینده مکتب نوسازی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، والت ویتمن روستو^{۱۴} اقتصاددان و جامعه‌شناس آمریکایی بود که نظریات وی مبنای ارائه الگوی توسعه به کشورهای جهان سوم و اساس سیاست خارجی آمریکا شد. اثر معروف وی با عنوان *مراحل رشد اقتصادی* با حمایت مالی و بورس پژوهشی بنیاد کارنگی^{۱۵} منتشر شد.^{۱۶} این اثر کلاسیک نظریه نوسازی، به وجود پنج مرحله عمده در جریان فرایند توسعه اقتصادی اعتقاد دارد که از جامعه سنتی آغاز و به جامعه مصرف‌انبوه ختم می‌شود.^{۱۷} نظریات نوسازی به سیاست حضور اقتصادی و فنی و نظامی آمریکا برای تحقق اصلاحات اقتصادی و اجتماعی در دیگر کشورها مشروعیت می‌بخشند و تهدید کمونیسم برای کشورهای جهان سوم را رفع می‌کنند. بر مبنای این نظریات کشورهای خواهان نوسازی باید همان مسیری را طی کنند که آمریکا رفته است، نه راهی که نظریات مارکسیستی ارائه می‌دهند.^{۱۸} هرچند گفتمان مرکزی نظریه نوسازی معطوف به مباحث توسعه و مسائل اقتصادی است، با این حال بسیاری از مسائل اجتماعی و فرهنگی جوامع را نیز شامل می‌شود. در چنین دورنمایی از نوسازی، تغییر و دگرگونی هم شامل الگوهای مادی زندگی و هم تحولی در شیوه تفکر و اندیشه و به طور کلی بعد فرهنگی زندگی است. تغییر و تحول در نهادهای آموزشی، فنی، اقتصادی و اجتماعی یک کشور از اصول اساسی نظریه نوسازی است.^{۱۹}

برنامه‌های سازمان علمی فرهنگی ملل متحد (یونسکو) نیز در تحریک دولت پهلوی به نوسازی نظام آموزشی مؤثر بود. در سال‌های پایانی دهه ۱۳۳۰، برنامه‌ریزی و عزم جهانی برای مبارزه با بی‌سوادی و گسترش آموزش عمومی در سطح جهانی با محوریت سازمان یونسکو شکل گرفت. در سال ۱۹۵۹م/۱۳۳۸خ در کنفرانس کراچی، که با حضور هفده کشور در حال توسعه تشکیل شد، برقراری نظام تعلیمات رایگان و اجباری تصویب شد. این مصوبه در ایران به صورت تشکیل

14. W.W. Rostow

15. Karnege foundation

۱۶. خان اوغلان خدایی، «جایگاه دیپلماسی عمومی در استراتژی امنیت ملی آمریکا»، در کتاب *امریکا عر* رضا دادرویش (گردآورنده) تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۶، ص ۳۰.

۱۷. والت ویتمن روستو، *نظریه‌پردازان رشد اقتصادی*، کتاب اول، ترجمه مرتضی قره‌باغیان (تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴)، ص ۳.

۱۸. سو، ص ۵۲.

۱۹. غلامعباس توسلی، مقدمه مقایسه نقش نخبگان در فرایند نوسازی ایران و ژاپن، ناهید مطیع (تهران: شرکت سهامی انتشار،

۱۳۸۲)، ص ۵.

سپاه دانش در سال ۱۳۴۱ اجرایی شد.^{۲۰} ایران در دهه‌های چهل و پنجاه همواره یکی از اعضای فعال یونسکو بود و بسیاری از برنامه‌های یونسکو در زمینه بهره‌مندی از سواد و مبارزه برای محو بی‌سوادی را اجرا می‌کرد.^{۲۱}

۱، ۲. زمینه‌های داخلی: نوسازی آموزشی از دوره قاجار جزو اهداف دولتمردان ایرانی بود. در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ هنوز قدرت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دولت پهلوی به مرحله‌ای از استقرار و استواری نرسیده بود که فرهنگ را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهد. با آغاز دهه چهل و شروع اصلاحات موسوم به انقلاب سفید، دولت اقدامات خود را در جهت کنترل و هدایت فرهنگ آغاز کرد. ثبات نسبی سیاسی و رشد درآمدهای دولت از فروش نفت دولت را قادر ساخت که به‌صورت همه‌جانبه در حوزه فرهنگ دست به کار شود و سیاست فرهنگی خود را منسجم‌تر و هماهنگ‌تر دنبال کند.^{۲۲} به‌جز جنبه سیاسی، سایر ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌شدت متأثر از نوگرایی بودند. اهمیت مدرنیزاسیون در ایدئولوژی و برنامه‌های فرهنگی شاه به‌اندازه‌ای بود که می‌توان گفت ایدئولوژی ناسیونالیستی او تحت‌الشعاع مدرنیسم قرار گرفته بود.^{۲۳} خود شاه نیز بنای جامعه نوین ایرانی را بر سه پایه «نظام شاهنشاهی، قانون اساسی و انقلاب شاه و ملت» می‌دید.^{۲۴} مهم‌ترین اهداف دولت پهلوی از نوسازی نظام آموزشی را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

۱، ۲، ۱. تربیت نیروی انسانی ماهر به‌منظور نوسازی اقتصادی: دولت پهلوی با کمک مشاوران دولت آمریکا و با اتکا به درآمدهای روزافزون نفتی در نظر داشت نوسازی اقتصادی کشور را با سرعت هرچه بیشتر به انجام برساند، زیرا براساس مطالعات کارشناسان آمریکایی، در صورت عدم نوسازی اقتصادی، وقوع انقلاب دهقانی در ایران اجتناب‌ناپذیر بود.^{۲۵} برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۱)

۲۰. معصومه جعفری، «بررسی تحولات آموزش و پرورش در دهه ۴۰ شمسی» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، ۱۳۹۳)، ص ۵۵.

۲۱. مهشید لطفی‌نیا، *روابط ایران و یونسکو (۱۳۲۴-۱۳۵۷ ش)*، ج ۱ (تهران: سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵)، ص ۵۱۶.

۲۲. احمد اشرف و علی بنوعزیزی، *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی (تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۸۶)، ص ۷۵.

23. Ali M. Ansari, "The Myth of the White Revolution", *Middle Eastern Studies*, VO. 37. NO. 3 (Jul. 2001), pp. 2-3.

۲۴. محمدرضا پهلوی، به‌سوی تمدن بزرگ (تهران: مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی و کتابخانه پهلوی، بی‌تا)، ص ۸۴.

۲۵. احمد اشرف، «از انقلاب سفید تا انقلاب اسلامی»، ترجمه محمد سالار کسرابی، پژوهشنامه متین، ش ۲۲ (بهار ۱۳۸۲)،

تا پایان ۱۳۴۶) که زیر نظر کارشناسانی از دانشگاه هاروارد و با حمایت مالی بنیاد فورد طراحی و تدوین شده بود، در نظر داشت تا با بهره‌گیری از درآمدهای نفتی، برنامه صنعتی کردن کشور را دنبال کند.^{۲۶} برنامه چهارم (۱۳۴۷ تا پایان ۱۳۵۱) همزمان با انفجار قیمت نفت، به صنعتی کردن و توسعه زیربنایی کشور پرداخت و طرح‌های بزرگی چون فولاد، پتروشیمی، آلومینیوم و مونتاز خودرو اجرایی شد.^{۲۷} برای اجرای برنامه‌های توسعه‌ای به نیروی انسانی ماهر و کارآمد نیاز بود. برای تربیت این نیروی انسانی ماهر باید مراکز دانشگاهی و فنی و حرفه‌ای ایجاد و گسترش می‌یافت. تقریباً در تمامی مصوبات کنفرانس آموزشی و دیدگاه‌های دولت‌مردان پهلوی، این نیاز شدید به تربیت و آموزش نیروی انسانی ماهر و متخصص مهم‌ترین اولویت نظام آموزشی ایران محسوب می‌شد.^{۲۸}

۱، ۲، ۲. نیاز به نوسازی فرهنگی به دنبال نوسازی اقتصادی: بی‌هنجاری اجتماعی و «ازجاکنندگی فرهنگی»^{۲۹} هنگامی پیش می‌آید که نظام اجتماعی قدیمی از هم پاشیده شده باشد، اما نظام همبستگی جدید و مطلوبی جایگزین آن نشده باشد. دولت‌ها می‌کوشند در برهه‌های حساس ناشی از دگرگونی‌های عمده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، قلمرو فرهنگ را از نو سامان دهند تا با بی‌هنجاری اجتماعی و اختلال نظم اجتماعی مواجه نشوند. مبنای اصلی نظم اجتماعی نه زور و سرکوب، بلکه ارزش‌ها و هنجارهای مقبول جامعه است. این مسئله در مورد رژیم‌هایی که خواهان الگوی توسعه به سبک غربی هستند از اهمیت و صدق بیشتری برخوردار است. به علت ورود ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی جدید و امکان تضاد و ناسازگاری آنها با ارزش‌های سنتی، دولت‌ها برای کنترل جامعه و اعمال سلطه بر آن به سیاست‌گذاری کلان فرهنگی دست می‌زنند. مدارس، دانشگاه‌ها، وزارتخانه‌ها، کانون‌ها و رادیو و تلویزیون می‌کوشند جامعه را به سمت ارزش‌های فرهنگی مورد نظر دولت سوق دهند.^{۳۰} از این نظر، دولت پهلوی با اصلاحات انقلاب سفید در نظر داشت جامعه ایران را نوسازی کند و خود شاه هم اعتقاد داشت که نوسازی اقتصادی باید نوسازی اجتماعی و فرهنگی

۲۶. حسن بنیانیان، فرهنگ و توسعه (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۶)، ص ۴۲۲.

۲۷. محمدعلی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۴)، ص ۳۲۶.

۲۸. پهلوی، به‌سوی تمدن بزرگ، ص ۱۴۳؛ کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر (تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۴۷)، ص ۱۴.

29. dislocation cultural

۳۰. بهران غلیون، «مدرن‌گری فرهنگی و بحران هویت»، ترجمه مهدی خلجی، نقد و نظر، س ۴، ش ۱۵ و ۱۶ (پاییز ۱۳۷۷)، ص ۳۹۸.

را نیز در بر گیرد و بدون نوسازی فرهنگی امکان تکمیل اصلاحات مورد نظر در دگرگونی روابط تولید و ساختار اجتماعی وجود نخواهد داشت.^{۳۱}

۱، ۲، ۳. **کسب مشروعیت برای دولت:** دولت قبل از این که معرف نظم اقتصادی و سیاسی باشد، به عنوان مجموعه‌ای اخلاقی سیاسی مطرح است و با توسل به دستگاه‌های ایدئولوژیک سعی در القای دیدگاه‌های ایدئولوژیک خود به جامعه دارد. بنابراین، کارویژه اساسی ایدئولوژی ساختن ذهنیت، ارزش‌ها، نمادها و هویت افراد است.^{۳۲} دولت با کمک ایدئولوژی در صدد حفظ و بازتولید مشروعیت خود است.^{۳۳} هدف دولت پهلوی القای اصول ایدئولوژی فراگیر و همه‌جانبه به منظور ایجاد تحول در نگرش‌ها و کردارهای اجتماعی و فرهنگی مردم بود.^{۳۴}

از دهه چهل، دولت نگاه ویژه‌ای به کارکردهای ایدئولوژیک نظام آموزشی داشت. تمرکزگرایی در برنامه‌ریزی منابع آموزشی و تنظیم آن در جهت ایدئولوژی دولت، برنامه‌ای بود که دولت به شدت دنبال می‌کرد. در مصوبات کنفرانس آموزشی رامسر، جنبه ایدئولوژیکی اصلاحات آموزشی بسیار مورد توجه قرار گرفت. از سال دوم، با توجه به نیاز دولت برای مشروعیت‌سازی و تلقین ایدئولوژی دولت در بین دانشجویان و دانش‌آموزان بر این موضوع تأکید بیشتری شد. در دومین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی، که در سال ۱۳۴۸ در شیراز برگزار شد، توجه به میراث ملی و «جنبه‌های فرهنگی و معنوی آموزش و پرورش و ایجاد محیط زنده و فعال فرهنگی در دانشگاه‌ها و تدریس مسائل مربوط به تاریخ و میراث فرهنگی ایران و همچنین مسائل روز و تحولات کشور» به عنوان یک اصل تصویب شد.^{۳۵} در نخستین سال‌های دهه پنجاه با توجه به گسترش گرایش‌های ضددولتی در بین دانشجویان و دانش‌آموزان، توجه به آموزش‌های ایدئولوژیکی با عنوان آموزش «ملی میهنی» بسیار پررنگ‌تر و دامنه‌دارتر شد.^{۳۶}

از سال ۱۳۵۳، علاوه بر تجدیدنظر در محتوای کتب درسی به منظور گنجاندن مطالب مربوط

۳۱. مسعود کمالی، جامعه مدنی، دولت و نوسازی در ایران معاصر، ترجمه کمال پولادی (تهران: انتشارات باز، ۱۳۸۱)، ص ۱۸۸.

۳۲. بابک احمدی، کار روشنفکری (تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۴)، ص ۶۹.

۳۳. مانوئل کاستلز، عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز و حسن چاوشیان (تهران: طرح نو، ۱۳۸۰)، ص ۲۴.

۳۴. حسین بشیریه، «زمینه‌های اجتماعی بحران سیاسی در ایران معاصر»، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، س ۴، ش ۱۶ (بهار ۱۳۸۴)،

ص ۱۳۸.

۳۵. دومین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر (تهران: انتشارات وزارت علوم و آموزش عالی، ۱۳۴۸)، ص ۲۹.

۳۶. هفتمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر (تهران: انتشارات وزارت علوم و آموزش عالی و چاپخانه وزارت اطلاعات

و جهانگردی، ۱۳۵۳)، ص ۴۳.

به آموزش‌های ملی میهنی و افزایش ضریب نمره این دروس، گسترش فعالیت‌های اردویی، آموزش سیاسی و حزبی و تشکیل کنگره نمایندگان دانش‌آموزان وابسته به حزب رستاخیز و ایجاد خانه‌های معلم حزب رستاخیز به صورت جدی در دستور کار قرار گرفت.^{۳۷} تأکید بر این آموزش‌ها را می‌توان به‌وضوح در محتوای کتاب‌های آموزشی این دوره نیز دید. از نظر سیاسی و ایدئولوژیکی، ۳۹ درصد از درون‌مایه کتاب‌های درسی این دوره (دوم تا پنجم) به اسطوره‌ها و سنت‌های قبل از اسلام، ۱۸ درصد به تمجید از شاه و ۹ درصد به مضامین میهن‌پرستانه اختصاص یافته بود.^{۳۸}

با این حال به نظر می‌رسد اقدامات دولت در زمینه تبلیغات ایدئولوژیکی چندان قرین توفیق نبوده است. در گزارش کمیته ارزشیابی نهمین کنفرانس در سال ۱۳۵۵، ضمن اشاره به ناآرامی‌های موجود در دانشگاه‌ها و احساس نگرانی از این بابت، از اقدامات صورت گرفته در این زمینه اظهار نارضایتی شده است، زیرا براساس برآوردهای دولت «اطلاعات سیاسی و ایدئولوژیکی فعالیت‌های دانشجویان در سطح نگران‌کننده‌ای پایین است و از واقعیت‌ها و تحولات اجتماعی و اقتصادی کشور آگاهی درستی ندارند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود آموزش‌های سیاسی و ایدئولوژیکی با انتشار کتاب‌ها و نشریات، از طریق کانون‌های حزبی و در مقیاس گسترده‌ای صورت گیرد تا «احساس تعلق کامل به جامعه ایران و احساس مسئولیت در قبال مسائل مملکت» تقویت شود.^{۳۹}

۴،۲،۱. اعمال سلطه و نظارت بر جامعه: کارکرد ویژه فرهنگ آفرینش و حفظ همبستگی و یکدلی اجتماعی با ایجاد تفاهم نمادی یا یگانگی نمادی است. هر اندازه افراد جامعه در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی توافق و تفاهم داشته باشند، نظم اجتماعی مطلوب‌تری هم بر جامعه حاکم خواهد بود. جامعه‌شناسان آموزش و پرورش را صرفاً ابزار تحقق آرمان‌های انتزاعی فرهنگی نمی‌دانند، بلکه از آن به‌عنوان وسیله‌ای برای کنترل اجتماعی بهره می‌گیرند.^{۴۰} از دید پیر بوردیو، نظام آموزشی به‌واسطه تحمیل معنا و روش‌های اندیشیدن و رفتارهایی که محمل فرهنگ طبقات مسلط هستند، در جهت برقراری و حفظ قدرت طبقه مسلط و اشاعه فرهنگ طبقه حاکم عمل

۳۷. هشتمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر (تهران: وزارت علوم و آموزش عالی، چاپخانه وزارت اطلاعات و

جهانگردی، ۱۳۵۴)، ص ۵۴.

۳۸. رسول نفیسی، «آموزش و فرهنگ سیاسی»، ترجمه اصغر صارمی شهاب، *ایران فردا*، ش ۳۰ (مهر ۱۳۷۵)، ص ۵۳.

۳۹. نهمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر (تهران: انتشارات وزارت علوم و آموزش عالی، ۱۳۵۵)، صص ۱۱ و ۸۶.

۴۰. ایور موریش، *درآمدی به جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت*، ترجمه غلامعلی سرمد (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳)، ص ۲۲.

می‌کند.^{۴۱} دولت‌ها تلاش می‌کنند با ایجاد همبستگی و هم‌نواپی اجتماعی میان خود و جامعه، تداوم چیرگی خود بر جامعه را امکان‌پذیر سازند.^{۴۲}

از جمله اقدامات دولت پهلوی برای اعمال سلطه و کنترل اجتماعی، ایجاد سپاهیان دین یا مروجان مذهبی بود که فرمان تأسیس آن در مرداد ماه سال ۱۳۴۹ صادر شد تا به همراه سپاهیان دانش برای نشر و تبلیغ ایدئولوژی دولت پهلوی فعالیت کنند. سپاهیان دین، که تحت نظر سازمان اوقاف سازماندهی شده بودند، بعد از اتمام دوره آموزشی عازم روستاها می‌شدند. این دوره آموزشی شامل گذراندن شانزده هفته دوره تخصصی دینی چون خطابه، تاریخ اسلام، نقش ایران در توسعه معارف اسلامی و تشریح اصول و مبانی اسلامی و مذهبی انقلاب سفید بود. سپاهیان دین موظف بودند در محل تبلیغ خویش لباس روحانیت بر تن کنند.^{۴۳} یکی دیگر از اهداف عمده آنان این بود که نقش سنتی روحانیت را به‌عنوان مبلغان دینی از آنان سلب و جایگاهشان را در جامعه و میان طبقات اجتماعی تضعیف کنند.^{۴۴}

۲. نهادسازی فرهنگی

به دنبال عزم دولت برای نوسازی آموزشی، نهادهای آموزشی نیز مورد توجه قرار گرفتند. در اولین مرحله، تشکیلات نهادهای متولی آموزش تنوع و ارتقا یافتند. گزافه نیست اگر گفته شود که پایه و اساس نظام آموزشی کشور به لحاظ ساختاری و مقرراتی در این دهه‌ها طراحی و ایجاد شد. در گام نخست نوسازی آموزشی، فرهنگ از آموزش تفکیک شد. در سال ۱۳۴۳ دولت لایحه تفکیک وزارت فرهنگ را به مجلس شورای ملی ارائه کرد.^{۴۵} براساس این قانون، مسائل آموزش از حوزه وزارت فرهنگ به وزارت تازه تأسیس آموزش و پرورش منتقل و اهداف و وظایف این وزارتخانه مشخص و معین شد.^{۴۶} وزارتخانه‌های فرهنگ و هنر و آموزش و پرورش و سازمان اوقاف از تفکیک

۴۱. مایکل گرنفل، مفاهیم کلیدی بوردیو، ترجمه محمدمهدی لیبی (تهران: نشر افکار، ۱۳۹۳)، ص ۲۴۱؛ علی‌رضا شایان‌مهر، بی‌یر بوردیو (تهران: نشر اختران، ۱۳۹۴)، صص ۲۵-۲۶.

۴۲. کریس بارکر، مطالعات فرهنگی؛ نظریه و عملکرد، ترجمه نفیسه حمیدی و مهدی فرجی (تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۷)، ص ۷۸۹.

۴۳. اطلاعات، (یکم آبان‌ماه ۱۳۵۰)، ص ۴.

۴۴. اشرف‌سادات علوی‌نیا، «علل وقوع انقلاب اسلامی ایران»، چشم‌انداز ایران، ش ۶۰ (فروردین ۸۹)، ص ۲۴.

۴۵. مجموعه قوانین بیست‌ویکمین دوره قانون‌گذاری مجلس شورای ملی، ج ۲ (تهران: چاپخانه مجلس شورای ملی، بی‌تا)،

ص ۱۰۵۶.

۴۶. محمدعلی اکبری، دولت و فرهنگ (۱۳۰۴-۱۳۵۷) (تهران: انتشارات ایران، ۱۳۸۴)، ص ۹۴.

وزارت فرهنگ سابق به وجود آمدند.^{۴۷} به موازات این تحولات نهادی، به لحاظ مفهومی نیز شاهد تغییراتی در کاربرد واژه فرهنگ هستیم. تا اوایل دهه چهل، فرهنگ هم‌نمایی معنایی چشمگیری با واژه آموزش داشت و وزارت فرهنگ در جایگاه وزارت آموزش و پرورش فعلی قرار می‌گرفت. در این دوره زمانی با گسترش عرصه‌های فعالیت فرهنگی و پیدایش نهادهای جدید، معنای فرهنگ دگرگون و دارای عرصه‌های جدیدی شد که به مراتب فراتر از آموزش بود.^{۴۸} در وزارت آموزش و پرورش بخشی به تعلیمات عالی (امور مدارس عالی و دانشگاه‌ها) اختصاص یافت و با این مقدمات در سال ۱۳۴۴ نهاد تازه‌ای با عنوان «شورای مرکزی دانشگاه‌ها» به ریاست وزیر آموزش و پرورش و قائم‌مقامی ریاست دانشگاه تهران تصویب و تشکیل شد^{۴۹} که وظیفه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، تعیین مقررات و نظارت را بر عهده داشت. این شورا بر مبنای سیاست تمرکزگرایی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی عمل می‌کرد و دولت با بهره‌گیری از چنین ابزاری خواستار کنترل سیاسی و فرهنگی محیط دانشگاهی بود.^{۵۰} قانون «تشکیل و اختیارات هیئت امنای دانشگاه تهران» در سال ۱۳۴۶ به تصویب مجلس شورای ملی رسید.^{۵۱}

در ۳۰ بهمن ۱۳۴۶، با توجه به برنامه گسترش دانشگاه‌ها، قانون «تشکیل وزارت علوم و آموزش عالی» به تصویب مجلس شورای ملی رسید. تشکیل وزارت علوم و اختصاص بودجه جداگانه‌ای برای آن، با توجه به افزایش درآمدهای نفتی، سبب شد گسترش دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی سرعت بیشتری یابد. در این قانون وظایف شورای مرکزی دانشگاه‌ها به وزارت علوم منتقل شد؛ وظایفی همچون سیاست‌گذاری و تعیین هدف‌های علمی، تحقیقاتی و آموزشی، نظارت بر دانشگاه‌ها، توسعه آموزش عالی و اجازه تأسیس و گسترش دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، تعیین خط‌مشی آموزش عالی، برنامه‌ریزی کلان آموزش عالی، هماهنگی با سایر وزارتخانه‌ها و ارتباطات بین‌المللی. با تصویب تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی، وزارت آموزش و پرورش عهده‌دار آموزش و پرورش عمومی تا متوسطه شد و در تشکیلات آن تغییرات زیادی به وجود آمد. مهم‌ترین هدف این وزارتخانه تهیه و تنظیم مقررات مربوط به آموزش عمومی تا پایان متوسطه

۴۷. مجموعه قوانین بیست‌ویکمین دوره قانون‌گذاری مجلس شورای ملی، ج ۲ (تهران: چاپخانه مجلس شورای ملی، بی‌تا).

ص ۱۰۵۶.

۴۸. عیسی صدیق، تاریخ و فرهنگ ایران (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۱)، ص ۱۷۹.

۴۹. لوح حق، ۱۳۸۷: ۱۳۴۴/۹/۷.

۵۰. مقصود فراستخواه، سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران (تهران: انتشارات رسا، ۱۳۸۸)، ص ۴۲۲.

۵۱. لوح حق، ۱۳۸۷: ۱۳۴۶/۴/۱۱.

بود. گسترش و نظارت و تهیه و انتشار کتاب‌های درسی هم از جمله وظایف آن تعیین شد. در طرح اصلاح آموزش و پرورش، طول مدت تعلیمات عمومی ۸ سال تعیین شد که از ۶ سالگی آغاز و به دو دوره پنج‌ساله ابتدایی و سه‌ساله راهنمایی تقسیم می‌شد؛ دوره سه‌ساله راهنمایی از سال تحصیلی ۱۳۵۰-۵۱ برای سنین ۱۱ تا ۱۴ سال اجرایی شد.^{۵۲} تحصیلات متوسطه هم به دو شاخه نظری و فنی تقسیم شد. تعلیمات متوسطه نظری به دو دوره سه‌ساله و یک‌ساله تقسیم شد که سه‌ساله اول مشترک بود و در یک‌ساله دوم دانش‌آموزان به یکی از چهار رشته طبیعی، فیزیک و ریاضی، اجتماعی و اقتصادی و ادبی و هنری هدایت می‌شدند.^{۵۳}

در سال ۱۳۴۶، به‌منظور تهیه و انتشار کتاب‌های درسی مورد نیاز آموزش و پرورش، «سازمان کتاب‌های درسی» تشکیل شد و اساس‌نامه آن به تصویب مجلس بیست‌ویکم رسید.^{۵۴} در همین مجلس، قانونی مربوط به اساس‌نامه دانشسرای عالی به‌منظور تربیت معلم زیر نظر آموزش و پرورش در هجده ماده و سه تبصره تصویب شد.^{۵۵} با توسعه و ارتقای نهادهای آموزشی و تربیتی به نظر می‌رسید مقدمات مرحله جدیدی از اقدامات آموزشی مهیا شده است. این اقدامات جدید در قالب کنفرانس آموزشی رامسر نمود و جلوه پیدا کرد.

۳. کنفرانس انقلاب آموزشی رامسر

در تداوم اجرای اصلاحات موسوم به انقلاب سفید، نوسازی نظام آموزشی، یا به عبارت بهتر انقلاب آموزشی، به‌عنوان هدفی اساسی مورد توجه قرار گرفت، زیرا از دید شاه، با توجه به این که حدود ۸۰ درصد از جمعیت کشور بی‌سواد بودند، تحول در نظام آموزشی و گسترش سواد از طریق برنامه‌های معمولی امکان‌پذیر نبود و به اقدامی ضربتی با روش‌های انقلابی محسوس نیاز بود. به همین دلیل سپاهیان دانش در سال ۱۳۴۱ ایجاد شد.^{۵۶} دولت از این سال به بعد مشمولان دیپلمه را با همکاری دو وزارتخانه آموزش و پرورش و وزارت جنگ برای سوادآموزی به روستاها فرستاد.^{۵۷} ایجاد سپاه دانش بدین ترتیب به اصل ششم انقلاب سفید مبدل شد. در این اصل آمده بود که هدف از تشکیل

۵۲. تحولات آموزش و پرورش در ده انقلاب (تهران: وزارت آموزش و پرورش با همکاری مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۵۱)، ص ۹۷.

۵۳. طرح مقدماتی اصلاح آموزش و پرورش کشور (بی‌نا، ۱۳۴۴)، صص ۴-۶.

۵۴. لوح حق، ۱۳۴۶/۳/۱۶.

۵۵. مجموعه قوانین و مصوبات دوره بیست‌ودوم مجلس شورای ملی، ج ۹ (تهران: چاپخانه مجلس شورای ملی، بی‌تا)، ص ۵۳۴۱.

۵۶. محمدرضا پهلوی، انقلاب سفید (تهران: چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۴۵)، ص ۱۲۷.

۵۷. صدیقی، ص ۴۸۶.

سپاه دانش تسهیل اجرای قانون تعلیمات عمومی و اجباری است. سپاهیان دانش موظف بودند افزون بر آموزش سواد، برای بالابردن آگاهی روستاییان، بهداشت عمومی و امور دیگر را نیز به آنان آموزش دهند. اصل دوازدهم انقلاب سفید وقوع «انقلاب اداری و آموزشی» را برای ایجاد نظام آموزشی جامع و کامل ضروری تشخیص می‌داد. اصل پانزدهم هم بر اجباری و رایگان بودن تعلیمات عمومی تأکید می‌کرد. اصل شانزدهم به موضوع تغذیه رایگان دانش‌آموزان در مدارس اختصاص داشت.^{۵۸}

به‌منظور تحقق اصول چهارگانه انقلاب سفید، «کنفرانس انقلاب آموزشی رامسر» در ۱۵ مرداد ۱۳۴۷ با حضور شخص شاه و نخست‌وزیر، وزرا، معاونان و رؤسای دانشگاه‌ها و مدیران مربوط تشکیل شد. هدف این بود که این کنفرانس نقطه عطفی در تحول نظام آموزشی کشور باشد. در این کنفرانس برنامه‌های کلی این تحول در سندی که به «منشور انقلاب آموزشی» معروف شد، مشخص و تعیین گردید.^{۵۹} هدف عمده این منشور، آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر در علوم و فنون مختلف به‌منظور اجرای برنامه‌های نوسازی صنعتی، اقتصادی و اجتماعی کشور بود.^{۶۰} بدین منظور لازم بود نیازمندی‌های کشور بررسی و پیش‌بینی شوند و براساس آن خط‌مشی آموزشی کشور ترسیم شود. تجدید نظر کلی در نظام آموزشی و نوسازی و اصلاح آن براساس پیشرفته‌ترین نظام‌های آموزشی و هماهنگ‌شدن با دنیا از اقدامات لازم در این راه دانسته شده بود. برای اصلاح نظام آموزشی، آموزش و پرورش در ارتباط با آموزش عالی در نظر گرفته شد و دانشگاه‌ها موظف شدند در این انقلاب آموزشی پیشگام شوند و خود را با اهداف انقلاب منطبق سازند. دانشگاه‌ها مکلف به ایجاد تغییرات گسترده در تشکیلات اداری، آموزشی و اعضای هیئت علمی شدند و با تشکیل هیئت‌امنا به گسترش کمی و کیفی، گسترش ارتباط با دانشگاه‌های جهان و تبادل استاد و دانشجو، انتشار کتب درسی و کتب علمی تحقیقاتی باکیفیت مأمور شدند. با توجه نقش معلم در «طرح‌ریزی آموزشی و پیشرفت اجتماعی و علمی کشور»، بر تقویت و انطباق تربیت معلم با شرایط و نیازهای جامعه تأکید شد. دولت خود را متعهد به تأمین اعتبارات مالی و نظارت و ارزشیابی بر حسن اجرای برنامه‌های منشور دانست.^{۶۱} رویکرد کلی این برنامه‌ها با توجه به خواست دولت برای نوسازی سریع کشور، تأکید بر گسترش آموزش در زمینه رشته‌های فنی حرفه‌ای و

۵۸. پهلوی، به‌سوی تمدن بزرگ، صص ۱۴۸-۱۵۰.

۵۹. همان، ص ۱۴۲.

۶۰. همان، ص ۱۴۳؛ کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر، ص ۱۴.

۶۱. کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر، صص ۱۴-۲۰.

مهندسی بود. همچنین توجه به امور آموزش عالی بیش از آموزش و پرورش در اولویت قرار گرفت. در کنفرانس دوم بر این موارد تأکید شد: برنامه‌ریزی بلندمدت برای نوسازی نظام آموزشی با همکاری سازمان برنامه و دانشگاه‌ها، گسترش دانشگاه‌ها، توجه به امر پژوهش و حضور اعضای هیئت‌امنا از مقامات استانی و محلی به‌منظور کمک به پیشبرد سریع برنامه‌ها.^{۶۲} در کنفرانس سوم، شاه با تأکید بر اهمیت نظام آموزشی، «انقلاب آموزشی را مکمل انقلاب کامل و همه‌جانبه ایران» بیان کرد.^{۶۳} گزارش نخست‌وزیر، هویدا، در این کنفرانس نشان می‌داد که به دنبال شروع نوسازی، انقلاب آموزشی بیشتر شامل توسعه آموزش عالی شده و آموزش و پرورش کمتر دچار تحول شده است. در این کنفرانس با توجه به تأسیس مؤسسه «تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی» ادعا شد که انقلاب آموزشی وارد مرحله جدیدی شده و اهداف و وظایفی بر عهده این مؤسسه گذاشته شده است؛ از جمله، انجام تحقیقاتی درباره روش‌ها و عوامل برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی، پیشنهاد خط‌مشی‌های عمده سیاست علمی کشور، شناخت وضعیت تحقیقات علمی و تعیین اولویت‌های پژوهشی، برنامه‌ریزی آموزشی در همه سطوح و جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل و انتشار آمارهای مربوط به آموزش و تحقیقات.^{۶۴} در چهارمین کنفرانس اعلام شد که تلویزیون در هفته ۳۱ ساعت برنامه آموزشی و هنری پخش می‌کند و گسترش این شیوه آموزشی از جمله برنامه‌هاست. همچنین بر معرفی رشته‌های فنی و حرفه‌ای و گسترش رشته‌های آن، شامل ۶۴ رشته، از کودک‌یاری گرفته تا برنامه‌نویسی کامپیوتر، تأکید شد.^{۶۵}

در ششمین کنفرانس هویدا گزارش می‌دهد که آموزش عالی بالاترین رشد را دارد؛ تعداد دانشجویان از ۹۷,۰۰۰ در سال تحصیلی ۵۱-۱۳۵۰ به ۱۵,۰۰۰ در سال تحصیلی ۵۲-۱۳۵۱ رسیده است که حدود ۱۸ درصد رشد را نشان می‌دهد و اعتبارات اختصاص یافته نیز ۴۱ درصد رشد را نشان می‌دهد، چنان‌که از ۶۶۵,۲۰۰,۰۰۰ ریال به ۹۳۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال و تعداد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به ۱۵۶ رسیده است. وزیر علوم مهم‌ترین کمبودها را در زمینه تربیت معلم، آموزش پزشکی و آموزش کشاورزی بیان می‌کند. وزیر آموزش و پرورش هم از اجباری شدن آموزش ابتدایی در ۱۳۳ منطقه شهری خبر می‌دهد و نرخ گذار از ابتدایی به راهنمایی را ۸۴/۷ درصد

۶۲ دومین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر، صص ۶-۱۴.

۶۳ سومین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر (تهران: انتشارات وزارت علوم و آموزش عالی، ۱۳۴۹)، ص ۲۰.

۶۴ همان.

۶۵ چهارمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر، (تهران: وزارت علوم و آموزش عالی، ۱۳۵۰)، صص ۳۰، ۵۱.

با افزایش ۲۰ درصدی اعلام می‌کند.^{۶۶} هفتمین کنفرانس در سال ۱۳۵۳ در حالی برگزار می‌شود که هویدا در گزارش خود، ضمن تأکید بر آموزش رایگان، همچنان از کمبود نیروی انسانی متخصص و ماهر سخن می‌گوید و وزیر علوم انقلاب آموزشی را کلید دروازه «تمدن بزرگ» شاهنشاه می‌داند. در قطعنامه کنفرانس بر گسترش به‌کارگیری وسایل سمعی بصری برای امر آموزش و استفاده از روش‌های نوین آموزشی و نیز بر ضرورت استفاده از مدارس ملی و مشارکت بخش خصوصی در آموزش تأکید می‌شود.^{۶۷} در هشتمین کنفرانس، وزیر علوم از به‌کار بستن روشی نو برای اجرایی شدن فرمان شاه مبنی بر حذف کنکور و احتساب نمره چند سال آخر دبیرستان به‌جای آن صحبت می‌کند، با این حال اذعان می‌کند که مشکلاتی برای اجرایی شدن این کار وجود دارد؛ از جمله، کمبود اعتبارات، کمبود محیط مناسب و پایین بودن کیفیت آموزشی. وزیر آموزش و پرورش گزارش می‌دهد که با اجرایی شدن آموزش و تغذیه رایگان، تعداد دانش‌آموزان به ۵/۵ میلیون افزایش یافته که در مقایسه با سال قبل از ۶ درصد به ۱۳ درصد رسیده است. با این حال هنوز در گروه سنی لازم‌التعلیم ۵-۱۳ سال، در مناطق شهری ۲۲ درصد و در مناطق روستایی ۴۵ درصد و در سطح کشور ۳۴ درصد به مدارس راه پیدا نکرده‌اند.^{۶۸} تأسیس شرکت صنایع آموزشی با هدف تهیه انواع تجهیزات آموزشی و استفاده از برنامه تلویزیون آموزشی سازمان رادیو و تلویزیون ملی در تعدادی از مدارس و تلاش برای گسترش این نوع آموزش از محورهای دیگر گزارش وزیر بود.^{۶۹}

نهمین کنفرانس، همانند کنفرانس‌های دیگر، با حضور شاه، فرح، نخست‌وزیر، وزرای مربوط، رؤسای دانشگاه‌ها، مدیران مسئول، نمایندگان حزب رستاخیز، نمایندگان اعضای هیئت علمی، دبیران، نمایندگان دانشجویان و دانش‌آموزان در سال ۱۳۵۵ به مدت یک هفته برگزار شد. وزیر علوم و وزیر آموزش و پرورش گزارشی از تحولات و اقدامات صورت گرفته ارائه دادند. براساس این گزارش‌ها، تعداد کودکان کودکستان‌ها ۱۷۵,۴۴۴ نفر، دانش‌آموزان ابتدایی ۴,۲۹۹,۴۶۸ نفر، دانش‌آموزان راهنمایی ۱,۲۸۳,۶۶۶ نفر، دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای ۵۸۸,۱۵۱ نفر، دانش‌آموزان متوسطه ۸۵۶,۰۰۰ نفر، تعداد دانشجویان ۱۵۲,۰۰۰ نفر و شمار دانشجویان مشغول به تحصیل در خارج از کشور ۵۵,۰۰۰ نفر بود. تعداد دانش‌آموزان روستایی ۲,۳۶۰,۸۹۲ نفر بود که معادل ۵۲/۸۴

۶۶ ششمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر، (تهران: وزارت علوم و آموزش عالی، ۱۳۵۲)، صص ۱۲، ۱۹، ۲۳، ۲۴.

۶۷ هفتمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر، صص ۲۶-۴۱.

۶۸ هشتمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی، صص ۵۲ و ۴۵.

۶۹ همان، ص ۵۴.

درصد بچه‌های لازم‌التعلیم بود.^{۷۰} در این کنفرانس فرح با توجه به گرایش‌های شبه‌بومی‌گرایانه خود خواستار توجه به راه‌حل‌های ملی و منطقه‌ای شد و اظهار کرد که برای حل معضلات باید از به‌کار بستن الگوهای وارداتی خودداری شود.^{۷۱} در این کنفرانس بر گسترش آموزش‌های فنی حرفه‌ای به سایر سازمان‌ها و نیز مشارکت در امر آموزش و پرورش تأکید شد. همچنین انحلال هیئت امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به‌منظور افزایش کارایی دانشگاه‌ها ارزیابی شد.^{۷۲} با نگاهی به مصوبات نهمین کنفرانس، ناکامی دولت در رسیدن به اهداف انقلاب آموزشی مشخص و آشکار می‌شود. در مورد آموزش‌های سیاسی و ایدئولوژیکی کاملاً احساس نگرانی می‌شد. ظاهراً نوسازی براساس الگوهای غربی و روش‌های آموزشی آن که در کنفرانس اول و دوم بر آن تأکید می‌شد، دست‌اندرکاران را مجبور به بازاندیشی کرد. هیئت امنای دانشگاه‌ها به دلیل اقتدارگرایی دولت منحل شدند و به‌رغم گسترش آموزش‌های فنی حرفه‌ای به سایر سازمان‌ها و همچنین افزایش تعداد رشته‌های دانشگاهی از ۷۵ رشته در سال ۱۳۴۱ به ۵۵۲ رشته در سال ۱۳۵۵، نظام آموزشی از عهده تربیت نیروی متخصص کافی برنیامد. گرچه خود شاه به این نکته اشاره داشت که در آستانه انقلاب آموزشی ۱۲ درصد از جمعیت لازم‌التعلیم مجال آموزش داشتند، و این درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲۲ درصد رسیده است،^{۷۳} اما این رقم با آرمان‌ها و اهداف انقلاب آموزشی و میانگین جهانی فاصله بسیار زیادی داشت. پژوهشی که درباره نتایج و کاستی‌های انقلاب آموزشی صورت گرفته است، نشان می‌دهد که این کاستی‌ها در آموزش فنی حرفه‌ای، به‌ویژه در زمینه تکنسین درجه اول و دوم، بسیار شدید بود. افزایش روزافزون داوطلبان ورود به دانشگاه نیز از معضلات نظام آموزشی بود. کمبود شدید معلم، ناهماهنگی بین برنامه‌ها و اهداف آموزشی دوره متوسطه، به‌کارگیری روش‌های کهنه آموزشی، کلاس‌های پرجمعیت، کمبود آزمایشگاه و کارگاه، پایین‌بودن جایگاه اجتماعی و حقوق معلمان، استخدام دبیران آموزش‌نندیده به‌ویژه در مدارس غیردولتی، بی‌توجهی به درس تربیت بدنی و نبود نظارت کافی بر مدارس از دیگر مشکلات بود.^{۷۴} در کنفرانس هشتم نیز بر پایین‌بودن کیفیت آموزش به‌ویژه در زمینه رشته‌های فنی مهندسی تأکید

۷۰. نهمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر (تهران: انتشارات وزارت علوم و آموزش عالی، ۱۳۵۵)، ص ۲۸.

۷۱. همان، ص ۱۰۷.

۷۲. همان.

۷۳. پهلوی، به‌سوی تمدن بزرگ، ص ۴۶.

۷۴. نظرانی درباره مسائل و مشکلات آموزش دوره‌های ابتدایی و راهنمایی و متوسطه جهت طرح در کمیته‌های مربوط به

دهمین کنفرانس انقلاب آموزشی رامسر (تهران: دانشگاه تربیت‌معلم، ۱۳۵۶)، صص ۵۵-۵۶.

و از این که در بازار کار، صاحبان مدارک مهارت لازم را ندارند اظهار نارضایتی می‌شد.^{۷۵}

نتیجه‌گیری

دهه چهل و اوایل دهه پنجاه اوج دوران نوسازی نظام آموزشی ایران است. در این سال‌ها می‌توان گفت نظام آموزشی کشور به لحاظ ساختاری و مقرراتی تغییراتی اساسی کرد و نهادهای آن دچار دگرگونی‌هایی شد که کمابیش تا به امروز دوام آورده است. نهادسازی آموزشی اولین قدم نوسازی نظام آموزشی کشور بود. وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی از دل وزارت فرهنگ و هنر پدید آمدند. این دهه به لحاظ گسترش کمی مؤسسات و نهادهای آموزشی، دگرگونی نظام آموزشی و گسترش تعداد دانش‌آموزان و دانشجویان تحت پوشش این نهادها دوره بسیار مهمی به شمار می‌آید. زمینه نوسازی نظام آموزشی دارای دو بعد خارجی و داخلی مهم بود. دولت پهلوی به دلیل رقابت‌های ایدئولوژیک دو بلوک شرق و غرب، برای انجام اصلاحات اقتصادی و اجتماعی از سوی دولت امریکا تحت فشار بود. در این نوسازی که براساس الگوهای ارائه‌شده اجرا می‌شد، ابعاد فرهنگی و اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار بودند. از نظر داخلی، تربیت نیروی انسانی ماهر و آموزش‌دیده برای نوسازی اقتصادی و اجتماعی یک ضرورت برای جامعه در حال گذار ایران بود. تقویت ایدئولوژیک دولت و تلاش برای همگرایی در ارزش‌ها و هنجارها از اهداف دیگر دولت بود. کنفرانس آموزشی رامسر نشانگر عزم جدی دولت برای دستیابی به این اهداف بود. از منشورات و مصوبات کنفرانس چنین برداشت می‌شود که با توجه این که تربیت نیروی متخصص و ماهر در اولویت قرار داشت، تمرکز دولت در عرصه آموزشی بر رشته‌های فنی مهندسی بود. به طور کلی آموزش عالی محور این مصوبات بود و آموزش و پرورش کمتر محل توجه بود. توجه به تبلیغات سیاسی و ایدئولوژیک و تمرکز بر فرهنگ ملی و بی‌توجهی به فرهنگ دینی از رویکردهای این تبلیغات بود. با بررسی مصوبات و گزارش‌های کنفرانس می‌شود استنتاج کرد که هرچند نظام آموزشی در سال‌های پایانی کنفرانس به لحاظ کیفی و کمی تحولات بسیاری به خود دید، بین اهداف و برنامه‌ها و دستاوردها فاصله زیادی بود.

منابع

آمار آموزش عالی ایران (۱۳۵۱-۱۳۵۲). مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی. ۱۳۵۲.

- احمدی، بابک. کار روشنفکری. تهران: نشر مرکز. ۱۳۸۴.
- اخبار هفته (نشریه اداره اصل چهار امریکا در ایران). ۱۵ خرداد ۱۳۳۷.
- اشرف، احمد و علی بنوعیزی. طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران. ترجمه سهیلا ترابی فارسانی. تهران: انتشارات نیلوفر. ۱۳۸۶.
- اشرف، احمد. «از انقلاب سفید تا انقلاب اسلامی». ترجمه محمد سالار کسرائی. پژوهشنامه متین. ش ۲۲. بهار ۱۳۸۲. صص ۱۰۹-۱۴۲.
- اکبری، محمدعلی. دولت و فرهنگ (۱۳۰۴-۱۳۵۷). تهران: انتشارات ایران. ۱۳۸۴.
- بارکر، کریس. مطالعات فرهنگی؛ نظریه و عملکرد. ترجمه نفیسه حمیدی و مهدی فرجی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، وزارت علوم تحقیقات و فناوری. ۱۳۸۷.
- بشیری، حسین. «زمینه‌های اجتماعی بحران سیاسی در ایران معاصر». فصل‌نامه رفاه اجتماعی، س ۴، ش ۱۶. بهار ۱۳۸۴. صص ۱۳۷-۱۵۴.
- بنیانیان، حسن. فرهنگ و توسعه. تهران: انتشارات امیرکبیر. ۱۳۸۶.
- پهلوی، محمدرضا. انقلاب سفید. تهران: چاپخانه بانک ملی ایران. ۱۳۴۵.
- _____ به‌سوی تمدن بزرگ. تهران: مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی و کتابخانه پهلوی. بی‌تا.
- تحولات آموزش و پرورش در ده انقلاب. تهران: وزارت آموزش و پرورش با همکاری مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. ۱۳۵۱.
- توسلی، غلامعباس. مقدمه مقایسه نقش نخبگان در فرایند نوسازی ایران و ژاپن. ناهید مطیع. تهران: شرکت سهامی انتشار. ۱۳۸۲.
- جعفری، معصومه. «بررسی تحولات آموزش و پرورش در دهه ۴۰ شمسی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اهر: دانشگاه آزاد اسلامی اهر. ۱۳۹۳.
- چهارمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر. تهران: وزارت علوم و آموزش عالی. ۱۳۵۰.
- حاضری، علی محمد. روند اعزام دانشجو در ایران. تهران: انتشارات سمت. ۱۳۷۲.
- خدایی، خان اوغلان. «جایگاه دیپلماسی عمومی در استراتژی امنیت ملی امریکا». در کتاب امریکا، رضا دادرویش (گردآورنده). تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر. ۱۳۸۶.
- دومین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر. تهران: انتشارات وزارت علوم و آموزش عالی. ۱۳۴۸.
- روزنامه اطلاعات. یکم آبان‌ماه. ۳۵۰. ص ۴.
- روستو، والت ویتمن. نظریه‌پردازان رشد اقتصادی. کتاب اول. ترجمه مرتضی قره‌باغیان. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. ۱۳۷۴.
- رینگر، مونیکا. ام. آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوره قاجاریه. ترجمه مهدی حقیقت‌خواه. تهران: انتشارات ققنوس. ۱۳۸۱.
- سو، آوین. ی. تغییر اجتماعی و توسعه. ترجمه محمود حبیبی مظاهری. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی. ۱۳۸۶.

- سومین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر. تهران: انتشارات وزارت علوم و آموزش عالی. ۱۳۴۹.
- شایان مهر، علی رضا. پی‌یر بوردیو. تهران: نشر اختران. ۱۳۹۴.
- ششمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر. تهران: وزارت علوم و آموزش عالی. ۱۳۵۲.
- شیخ‌الاسلامی، علی. رنسانس ایران (دانشگاه ملی ایران و شاه). بی‌جا: چاپ مؤلف. ۱۳۶۹.
- صالح، علی پاشا. پیوندهای فرهنگی ایران و امریکا. تهران: دبیرخانه کمیته ملی دویستمین سال انقلاب امریکا. ۱۳۵۵.
- صدیق، عیسی. تاریخ و فرهنگ ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۵۱.
- طرح مقدماتی اصلاح آموزش و پرورش کشور. بی‌تا. ۱۳۴۴.
- علوی‌نیا، اشرف‌سادات. «علل وقوع انقلاب اسلامی ایران». چشم‌انداز ایران. ش ۶۰ فروردین ۱۳۸۹.
- غلیون، برهان. «مردن‌گری فرهنگی و بحران هویت». ترجمه مهدی خلجی. نقد و نظر. س ۴، ش ۱۵ و ۱۶. پاییز ۱۳۷۷. صص ۳۹۲-۴۱۶.
- فراستخواه، مقصود. سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران. تهران: انتشارات رسا. ۱۳۸۸.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون. اقتصاد سیاسی ایران. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز. ۱۳۷۴.
- کمالی، مسعود. جامعه مدنی، دولت و نوسازی در ایران معاصر. ترجمه کمال پولادی. تهران: انتشارات باز. ۱۳۸۱.
- کاستلز، مانوئل. عصر اطلاعات؛ اقتصاد، جامعه و فرهنگ. ترجمه احد علیقلیان، افشین خاک‌باز و حسن چاوشیان. تهران: طرح نو. ۱۳۸۰. ص ۲۴.
- کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر. ۱۳۴۷.
- گرنفل، مایکل. مفاهیم کلیدی بوردیو. ترجمه محمد مهدی لیبی. تهران: نشر افکار. ۱۳۹۳.
- لطیفی‌نیا، مهشید. روابط ایران و یونسکو (۱۳۳۴-۱۳۵۷ ش). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۸۵.
- لوح حق، ۱۳۸۷: ۱۳۴۴/۹/۷، ۱۳۴۶/۴/۱۱، ۱۳۴۶/۳/۱۶
- متینی، جلال. خاطرات سال‌های خدمت؛ از دبیرستان البرز تا فرهنگستان ادب و هنر ایران. بی‌جا: شرکت کتاب. ۱۳۸۰.
- مجموعه قوانین بیست‌ویکمین دوره قانون‌گذاری مجلس شورای ملی. ج ۲. تهران: چاپخانه مجلس شورای ملی. بی‌تا.
- مجموعه قوانین و مصوبات دوره بیست‌ودوم مجلس شورای ملی. ج ۹. تهران: چاپخانه مجلس شورای ملی. بی‌تا.
- موریش، ایور. درآمدی به جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت. ترجمه غلامعلی سرمد. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۷۳.
- ناطق، هما. کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری انتشاراتی معاصر پژوهان. ۱۳۸۰.
- نظراتی درباره مسائل و مشکلات آموزش دوره‌های ابتدایی و راهنمایی و متوسطه جهت طرح در کمیته‌های مربوط به دهمین کنفرانس انقلاب آموزشی رامسر. تهران: دانشگاه تربیت معلم. ۱۳۵۶.

نفیسی، رسول. «آموزش و فرهنگ سیاسی». ترجمه اصغر صارمی شهاب. *ایران فردا*. ش ۳۰. مهر ۱۳۷۵.
نهمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر. تهران: انتشارات وزارت علوم و آموزش عالی. ۱۳۵۵.
هشتمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر. تهران: وزارت علوم و آموزش عالی و چاپخانه وزارت
اطلاعات و جهانگردی. ۱۳۵۴.
هفتمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر. تهران: انتشارات وزارت علوم و آموزش عالی و چاپخانه
وزارت اطلاعات و جهانگردی. ۱۳۵۳.

Ansari, Ali M. "The Myth of the White Revolution". *Middle Eastern Studies*. Vol. 37.
NO. 3. Jul. 2001.

Palma, Mark C. *The 1979 Iranian Revolution: A study in the role of culture in the
modernization of traditional societies*. London: The university of western Ontario.
2000.

